

دکتر باقرپور کاشانی



احتجاج نادرست احمدالحسن به روش احتجاج امام رضا علیه السلام  
به جاثلیق نصرانی برای اثبات حجیت خود

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

## احتجاج نادرست احمدالحسن به روش احتجاج امام رضا علیه السلام به جاثلیق نصرانی برای اثبات حجیت خود

از احتجاجاتی که در این کتاب عقائدالسلام، جناب احمدالحسن می کند، این است که استناد می کند به یک احتجاج و پاسخی که وجود نازنین حضرت رضا علیه السلام به جاثلیق نصرانی مطرح می کنند. حالا این روایت را می خواهیم مورد ارزیابی قرار بدهیم.

صفحه ۱۲۶ پاراگراف سوم، می نویسند:

«بر وصیت های انبیاء در تورات و وصیت عیسی علیه السلام، صدها سال گذشت و کسی غیر از محمد صلی الله علیه و آله و اوصیای بعد از او مدعی آن نشدند. همچنان که کسی غیر از ائمه علیهم السلام مدعی وصیت پیامبر صلی الله علیه و آله نشد و امام رضا علیه السلام با همین واقعیت بر جاثلیق نصرانی استدلال کرد. یعنی بعد از بیان نص انبیای گذشته بر رسول الله محمد صلی الله علیه و آله، از تورات و انجیل، جاثلیق نصرانی استدلال کرد که این نص ممکن است بر بیش از یک شخص منطبق شود. اما پاسخ و احتجاج امام رضا علیه السلام بر جاثلیق این بود که چنین چیزی یعنی ادعای وصیت های انبیاء توسط مدعیان باطل تاکنون حاصل نشده».

بعد یک قسمت از این روایت را می‌آورد و این را مطرح می‌کنند. این یک روایت طولانی هست که در اثبات‌الهدی شیخ حر عاملی جلد اول صفحه ۱۹۴ و ۱۹۵ این قسمت حدیث آمده؛ مرحوم علامه مجلسی هم در جلد ۴۹ بحارالانوار صفحه ۷۶ این حدیث را نقل می‌کند.

«جاثلیق گفت: می‌دانیم که در کتاب مقدس نام محمد آمده. اما برای ما به طریق صحیح ثابت نشده که منظور، همان محمد شما باشد. اما اینکه صرفاً نامش محمد هست ما می‌توانیم به نبوتش اقرار کنیم در حالی که شک داریم که آیا او همان محمد هست؟»

امام رضا علیه السلام بر حقانیت اسلام در مورد نبی اکرم احتجاج می‌کنند به کتاب‌های خودشان. احتجاجی که این‌جا مطرح می‌شود این‌طور استفاده می‌کنند می‌گویند که بله در کتاب مقدس نام محمد آمده، نبی ما هم نامش محمد هست.

این‌جا جاثلیق می‌گوید یعنی شما می‌گویید چون یک نفر که ادعای نبوت کرده و در کتاب مقدس هم اسمش آمده و نامش محمد هست، ما باید ایمان بیاوریم؟! بله در کتاب ما آمده محمدی خواهد آمد آخرالزمان پیامبر خاتم خواهد بود، اما از کجا معلوم که این فردی که ادعا کرده همان محمد هست؟! آیا صرف اینکه ادعا کرده ما باید ایمان بیاوریم؟! ولو اینکه در کتاب مقدس ما اسم محمد آمده، این آقا هم ما می‌دانیم که ادعا کرده همان پیغمبر خاتم منم،

همان محمد من هستم؛ حالا چون در کتاب ما آمده و ایشان هم ادعا کرده، ما باید چشم و گوش بسته به این ایمان بیاوریم به تعبیری؟! می خواهم یک جوری توضیح بدهم که محل نزاع و بحث جناب احمدالحسن روشن بشود که از این چه نتیجه‌ای می‌خواهد بگیرد! حالا در کنارش ادعای جناب احمد را مطرح می‌کنم:

احمدالحسن می‌گوید ما یک حدیث وصیت داریم، دوازده تا مهدی داخلش مطرح شده، هیچ‌کسی در طی تاریخ ادعا نکرده که آن مهدی اولی که در حدیث وصیت شیخ طوسی آمده، من هستم! مدعی مهدویت زیاد داشتیم، اما مدعی که استناد کند به حدیث وصیت، نداشتیم؛ که بگوید مهدی اولی که در حدیث وصیت آمده من هستم! و چون نداشتیم، من بر حق هستم!

حالا اگر چنانچه کسی قبل از من ادعا می‌کرد که آن مهدی اولی که در حدیث وصیت آمده من هستم و این مدعی دروغین بود، چطور بود؟! بنا به استناداتی که قبلاً عرض کردیم مثلاً از جمله: «إِنَّ هَذَا الْأَمْرَ لَا يَدَّعِيهِ غَيْرُ صَاحِبِهِ إِلَّا بَتَرُ اللَّهِ عُمْرَهُ»، باید خداوند عمرش را می‌گرفت! نمی‌توانست زنده باشد! کسی که ادعا نکرده، منم ادعا کردم، خدا عمر من هم نگرفته، پس دلیل بر این هست که این حدیث وصیت من بر حقم! نکته این جا به این صورت هست!

حالا ببینید ادامه حدیث را بخوانیم؛ این جا امام رضا علیه السلام می‌فرمایند پیامبر ما، حضرت محمد صلی الله علیه و آله هست؛ این وجود نازنین نبی اکرم هم در کتاب مقدس

آمده. چون در کتاب مقدس آمده، شما چرا ایمان نمی‌آورید؟ جاثلیق می‌گوید آیا صرفاً چون در کتاب مقدس یک اسمی آمده ما باید ایمان بیاوریم؟! شاید این فرد قبلاً کتاب مقدس را خوانده باشد و اطلاع پیدا کرده باشد، حالا آمده گفته من محمد هستم! صرف اینکه ما نمی‌توانیم ایمان بیاوریم! لذا این گونه سؤالش را مطرح می‌کند.

امام رضا علیه السلام می‌فرمایند: «به شک احتجاج کردی؟»

یعنی به صرف اینکه شاید شک داری، احتجاج می‌کنی که من این آقا را قبول نمی‌کنم؟

«آیا خداوند قبل یا بعد از حضرت آدم تا امروز، پیامبری را مبعوث کرده که نامش محمد باشد؟ یا در هیچ یک از کتبی که خدا بر همه انبیاء نازل کرده، غیر از پیامبر ما محمد را یافته‌ای؟ در این جا بود که آن‌ها از جواب حضرت در ماندند.»

به تقریر جناب احمد می‌گوید که امام رضا علیه السلام می‌فرمایند به جناب جاثلیق، شما چرا به پیامبر ما ایمان نمی‌آوری؟ در کتاب شما اسم محمد آمده! می‌گوید شاید این محمد شما محمد دروغین باشد! آن محمدی که در کتاب مقدس آمده غیر از او هست!

امام رضا علیه السلام می‌فرمایند آیا تا حالا کسی ادعا کرده که من همان محمد هستم؟ نکرده! پس نکرده حق هست!

حالا آن متنی که در کتاب مقدس می‌گیرند، به‌عنوان وصیت می‌گیرند. کسی هم ادعای دروغین کرده باشد رگ قلبش قطع می‌شود، پس این آقایی که ادعا کرده به کتب مقدس که در حقیقت همان وصیت هست، رگ قلبش قطع نشده، این نشان می‌دهد که همان مدعی، مدعی حقیقی هست!

ببینید این‌جا این مسأله را ما باید در فضای این روایت باشیم، آن وقت کاملاً روشن بشود! اول من یک نکته‌ای را خدمت جناب احمدالحسن عرض کنم! شما تمام استناداتان به یک حدیث وصیت شیخ طوسی هست که چهار راوی از سلسله‌سند آنها ضعیف هست! ایراد دارد!

و دلالت این حدیث هم روشن نیست! و بلکه روایت‌های دیگر این چنین قید دوازده مهدی را نیاورده! عرض کردم جمعی هم گفتند که این قید توضیحی هست، برمی‌گردد به همان دوازده امام. در اینکه یک متنی باشد، متن محکمی باشد، محل بحث هست! مطلب اول.

اما در کتب اهل کتاب، تا حدی بیان شده که آوردند که این قدر دقیق نام پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، حتی زمانی که ایشان متولد می‌شود! حتی محل ولادتشان! تمام این اطلاعات آمده.

در آن کتاب‌هایی که هست الان دستخوش تحریف واقع شده البته الان هم عبارت‌هایی استفاده می‌شود در همین کتب مقدسی که موجود هست.

ببینید حالا شاید یک نفر بگوید نه! استناد ما چیست؟ به آیه قرآن! سوره مبارکه بقره، آیه ۱۴۶:

﴿الَّذِينَ آتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ يَعْرِفُونَهُ كَمَا يَعْرِفُونَ أَبْنَاءَهُمْ ۖ وَإِنَّ فَرِيقًا مِنْهُمْ لَيَكْتُمُونَ  
الْحَقَّ وَهُمْ يَعْلَمُونَ﴾

«کسانی که کتاب آسمانی به آنها داده ایم...»، یعنی او! او برمی گردد به نبی اکرم به محمد ﷺ؛ «همچون فرزندان خود می شناختند...»؛ یعنی در کتب آسمانی آنقدر واضح آمده، مثل اینکه یک نفر فرزندش را می شود شناسد؟! می شناسد! یعنی آنقدر واضح آمده که همچون فرزندان خود می شناختند.

﴿كَمَا يَعْرِفُونَ أَبْنَاءَهُمْ﴾؛ «ولی جمعی از آنها حق را آگاهانه کتمان کردند»؛  
﴿لَيَكْتُمُونَ الْحَقَّ وَهُمْ يَعْلَمُونَ﴾. باتوجه به اینکه می دانستند، حق را کتمان کردند!

یعنی توصیف نبی اکرم در کتب مقدس آنقدر واضح بوده که به تعبیر آیه ۱۴۶ بقره می گوید این اهل کتاب، کسانی که اشراف داشتند به کتاب آسمانی، دقیق این نبی اکرم را می شناختند! زمانش مشخص بوده، مکانش مشخص بوده، اوصافش مشخص بوده! تمام این مسائل روشن!

به علاوه اینکه نبی اکرم وقتی آمدند نگفتند چون در کتاب مقدس آمده من محمدم ایمان بیاورید! چون خیلی ها به کتاب مقدس هم ایمان نداشتند! به این افراد مشرکین و کفار قریش، مگر می گفتند چون در انجیل و تورات آمده به من

ایمان بیاورید؟! آن‌ها می‌گفتند انجیل و تورات را هم ما قبول نداریم! لذا پیامبر معجزه اقامه می‌کردند!

یعنی علاوه بر اینکه کسانی که انجیل و تورات را قبول نداشتند معجزه اقامه کردند، اتمام حجت شده ایمان آوردند؛ کسانی که در انجیل و تورات در کتاب مقدس‌شان، آنچنان واضح توصیف شده نبی اکرم همچنان که توصیف شده فرزندان خودشان در چنین سطحی بوده، باز هم پیامبر اکرم بر این‌ها معجزه اقامه کردند!

ما قسمتی از معجزاتی که اگر در تاریخ انبیاء، از بعثت نبی اکرم تا زمان وفاتش این ۲۳ سال مطالعه بفرمایید، می‌بینید بسیاری از معجزات برای اهل کتاب بوده! با وجود اینکه: ﴿كَمَا يَعْرِفُونَ أَبْنَاءَهُمْ﴾! ولی باز هم معجزه اقامه می‌کردند! حالا سؤال این است که جناب احمدالحسن! تا ۲۰ سال قبل که شما چنین ادعایی می‌کنی که هیچ‌کسی نمی‌دانست که ۱۲ تا مهدی هم هست! هیچ‌کدام از محدثین ما چنین چیزی نیاوردند! هیچ‌کدام از متکلمین ما چنین چیزی نیاوردند! جناب شیخ طوسی هم اگر چنانچه چنین حدیثی آورده، نه اینکه توضیح بدهد ۱۲ تا مهدی خواهد بود! می‌خواسته این توضیح را بدهد که ۱۲ تا امام که می‌خواهد بیاید، این برای استناد به اینکه ۱۲ تا جانشین ۱۲ تا خلیفه، این حدیث را آورده!



و این ادعای شما که خودت را مقایسه می کنی با آن چیزی که در ارتباط با کتب مقدس آمده، در سطحی که ﴿كَمَا يَعْرِفُونَ أَبْنَاءَهُمْ﴾، بعد می آیی خودت را مقایسه می کنی با نبی اکرم!

یعنی امام رضا علیه السلام وقتی می خواهد پاسخ جاثلیق را بدهند که از کجا معلوم محمد هست؟! می خواهند بگویند اصلاً کسی نیامده نه اینکه یک اسمی آمده! یعنی انقدر توصیف شده مصداق دیگری فرض نمی شود، کما اینکه قبلش هم نیامده باشد! اگر هم می آمد باز هم منطبق نبود! چون زمان مشخص، مکان مشخص، توصیفات مشخص، نسب مشخص، تمام این ها بیان شده! به علاوه اینکه حالا من عرض کردم این حدیث از لحاظ محتوا مشکلی ندارد. گاهی اوقات در بیان احتجاج هم به تعبیری جدلی که احسن باشد صورت گرفته؛ می توانیم از آن باب این را مطرح بکنیم.

حالا نکته ای که خیلی مهم است شما استناد به همین یک تکه می کنی! باید توجه بکنی که اولاً این حدیث کما اینکه حدیثی هست که محتوا خودش را اثبات می کند، اما این حدیث، حدیث مرسلی هست. یعنی برخی از افراد سلسله راویان این ذکر نشده!

یک مقاله ای هست آقای اصغر قایدان در مجله پژوهش های قرآن و حدیث، تابستان ۹۷ شماره یک، اصلاً یک تحقیق و پژوهش کاملی نسبت به همین حدیث کردند.

آن جا بحث می کند می گوید جمعی صراحتاً گفتند این حدیث حدیثی هست که سندش مشکل دارد و نیز این حدیث حدیث مرسل هست، یعنی بعضی از این افرادش این ها راوی اش ذکر نشده و حدیث مرسل، خبر واحد هست. خبر واحد معتبر هم نیست از لحاظ سندی اش، یعنی سلسله سندش کامل نیست؛ مرسل هست! لذا شما نمی توانی ولو اینکه این حدیث معتبر هم باشد خبر واحد باشد، این ظنی هست، ظنی نمی توانیم به عنوان عقیده قرار بدهیم! مگر همان عقیده هم به صورت ظنی باشد! حالا بر فرض این هم معتبر باشد، شما نمی توانی که استناد بکنی به همین قسمت از حدیث! عرض کردم اولاً تخصصاً خارج هست!

آن توصیفات که نسبت به نبی اکرم در کتاب ها شده، به اندازه ای هست که آن ها به مانند فرزندان خودشان نبی اکرم را می شناختند! جناب احمد را چه کسی می شناخت؟

پس می خواهم بگویم تخصصاً این بحث خارج هست این استنادی که ایشان کرده است!

اللَّهُمَّ عَجِّلْ لَوْلِيِّكَ الْفَرَجَ وَاقِمْنَا بِخِدْمَتِهِ  
الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي جَعَلَنَا مِنَ الْمُتَمَسِّكِينَ بِوَلَايَةِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْأَئِمَّةِ عَلَيْهِ السَّلَامِ



@aparate.com/be  
\_sooye\_zohoor



v\_bagherpour\_  
kashani



@seratehagh1



besouyezohour



bagherpour-  
kashani.com/



@serat12k



youtube.  
com/c/seratehagh



https:  
//naakhodaa.ir